

انتقاد علامه کاشف الغطاء از وحدت شعاری

سید جواد میرخلیلی

عیب بزرگ ما مسلمانان این است که تصور می‌کنیم همین که بگوییم مسلمانان جهان، دست دوستی و اتحاد به یکدیگر داده‌اند، و دهان خود را با این جمله پر کرده و صفحات مطبوعات را به آن سیاه نماییم، مطلب تمام است.

اختلاف و تفرقه میان مسلمانان

یکی دیگر از معضلات مهم دوران امام کاشف الغطاء و بلکه در تمام دوران‌ها از صدر اسلام تاکنون، دامن‌گیر کشورهای اسلامی بوده و هست، بحث اختلاف و تفرقه میان مسلمانان؛ اعم از شیعیان و اهل تسنن است که همواره باعث شده تا دشمنان اسلام، از این اختلاف و تفرقه، نهایت استفاده را برده و به اسلام، کشورهای اسلامی و مسلمانان ضربه وارد کنند.

بی‌تردید، کاشف الغطاء را می‌توان یکی از منادیان وحدت اسلامی و مسلمانان معرفی کرد که با نوشتن کتاب‌هایی چون الدین و الاسلام، المراجعات و مقالاتی چون جمعیت تقریب بین مذاهب اسلامی و مقاله الاجتهاد فی الشریعة در مجله رساله الاسلام، نقش بسیار مهمی در ایجاد وحدت میان مسلمانان؛ اعم از شیعه و سنی ایفا کرد.

وی در مقدمه اصل الشیعة و اصولها به ضرورت وحدت اشاره کرده، ضمن تبیین اهمیت وحدت و ضرورت آن در نگرش عقلای جهان، به تلاش مصلحانی که پیش از وی منادی وحدت بودند نیز از تلاش‌های آنها قدردانی کرده است. به باور کاشف الغطاء، فریاد منادیان مصلح برای مسلمانان این بود که:

«امروز، بیماری خطرناک مسلمانان، پراکندگی و عدم انسجام آنهاست و تنها داروی حیات بخش برای آنها و همین طور برای گذشتگان، اتحاد و اتفاق و همکاری با یکدیگر و به دور افکندن تمام عوامل عداوت و کینه و دشمنی بوده و خواهد بود» [1].

وی همواره خواهان کنار گذاشتن اختلاف و تفرقه از سوی مسلمانان و متحد شدن آنها در برابر دشمنان بود تا نتوانند از اختلاف مسلمانان سوء استفاده کرده و به دین اسلام ضربه بزنند. او که پیوسته بر این جمله تأکید می کرد: اسلام بر دو پایه استوار است: کلمه توحید و توحید کلمه (یعنی الإسلام علی دعائین: کلمة التوحید و توحید الکلمه)، به شیوه های مختلف، پیام های دعوت کننده به وحدت خویش را به مسلمانان یادآور می شد. در یکی از پیام های این مرجع شیعی که در مجلة الرسالة الاسلام منتشر شده است، هدف خود را از وحدت و تقریب میان مسلمانان، چنین بیان می کند: «هدف تقریب، این است که مسلمانان را به یکدیگر نزدیک سازد و نگذارد اختلافات فقهی موجب عداوت میان آنان گردد» [2].

سپس ادامه می دهد: «تنها فرق مهم ما، یکی در امامت است که این با وحدت اسلامی مغایرت ندارد و دیگری، سب و لعن خلفاست که بیشتر شیعیان با آن مخالفند و در اخبار ائمه علیهم السلام از آن، نهی شده است» [3].

کاشف الغطاء با تبیین اتحاد و وحدت میان فرقه های اسلامی و نیز مسلمانان، بر جدی گرفتن این موضوع از سوی مسلمانان تأکید شدید کرده و تا آن جا به نقش اتحاد اسلامی اهمیت می دهد که جنگ های صلیبی، حمله مغولها به امپراتوری اسلامی و نفوذ استعمار نوین غربی در جهان اسلام را معلول فقدان اعتماد بین مسلمانان تلقی می کند. در نتیجه، تلاش وی در دفاع از تشیع و شناساندن آن نیز به انگیزه از بین بردن و زدودن غبارهای سوء تفاهم میان دو مذهب بزرگ اسلامی و نزدیک تر ساختن آنها بود [4].

آری، وی که دلسوزانه، قضیه وحدت و اتحاد اسلامی را میان مذاهب اسلامی و کشورهای اسلامی دنبال می کرد، با بیان این مطلب که اگر مسلمانان، هم دست بودند، این همه ممالک بزرگ را از دست نمی دادند و هفت دولت بزرگ اسلامی در برابر ملتی کوچک شکست نمی خورد، اختلاف و جدال مسلمانان را در شرایطی که دشمنان از هر سو آنان را احاطه کرده اند، حرام می دانست و می گفت:

«بر تمام فرقه های اسلامی لازم است که جدال ها و اختلافات را کنار گذارند؛ چه اگر این عمل ذاتا حرام نباشد، مسلما در این زمان که دشمن از هر طرف، ما را احاطه کرده، حرام است» [5].



وحدت شعاری و صوری

نکته مهمی که در بحث دیدگاه علامه کاشف الغطاء از وحدت اسلامی باید به آن توجه کرد، پرهیز ایشان و توجه وی به وحدت های صوری و تشریفاتی بود که از دیدگاه این عالم شیعی، مورد نکوهش و مذمت بود. چنان که ایشان به یکی از تجمعات برای ایجاد وحدت در شهر قدس با عنوان «مؤتمر بزرگ اسلامی» اشاره کرده و می نویسد:

در آن روز، جمعی از بزرگان جوامع اسلامی برای بررسی مسائل مهم و حیاتی مسلمانان و مبادله مراتب دوستی و محبت، بدون توجه به اختلاف مناطق جغرافیایی و نژاد و ملیت و مذهب، در آنجا گرد آمده بودند. اجتماعی که در نوع خود، بی نظیر و چشم تمام مسلمانان به آن دوخته شده بود، و خاری در چشم دشمن محسوب می شد، و حسابهای زیادی روی آن شده بود، ولی به رغم این مجاهدت ها و فداکاری ها، که این بزرگان برای نیل به هدف مذکور و پاشیدن بذر اتحاد در افکار عمومی مسلمانان به امید اینکه روزی نهال برومندی گردد و همه از ثمرات لذت بخش آن بهره مند شوند، هیچ ثمره ای عاید نشد. آن گاه ادامه می دهد: آری! علی رغم این همه رؤیاهای شیرین و طلایی، تنها به سخن - همان طور که عادت معمولی ماست - قناعت شد و هیچ قدم مثبت عملی و مفیدی برداشته نشد. تنها به ظواهر پرداختیم و از

حقایق دور ما ندیم. از هر چیز به پوست آن راضی شدیم و به مغز اهمیت ندادیم. به عکس نیاکان ما، همان مسلمانان فعال و پر جنبشی که قبل از آنکه بگویند، عمل نشان می دادند و پیش از آن که حرف بزنند، تصمیم می گرفتند[6].

همان طور که از سخنان کاشف الغطاء بر می آید، ایشان به وحدت های صوری و شکلی واکنش نشان می دهد و از همه مسلمانان می خواهد تا به وحدت عملی دست یابند و از تفرقه و جدایی بپرهیزند. به باور کاشف الغطاء، عیب بزرگ ما مسلمانان این است که تصور می کنیم همین که بگوییم مسلمانان جهان، دست دوستی و اتحاد به یکدیگر داده اند، و دهان خود را با این جمله پر کرده و صفحات مطبوعات را به آن سیاه نماییم، مطلب تمام است و با همین یک جمله، ما متحد شدیم و یک ملت زنده و سربلند به وجود آوردیم که می تواند مقام شایسته خود را در میان ملت های جهان احراز کند.[7]

به گفته کاشف الغطاء، اشتباه ما مسلمانان همین است. به هر حال، از مباحث کاشف الغطاء در این حوزه، (بحث تفرقه و وحدت) می توان راهکار وحدت را به دست آورد که به درد همه زمانها می خورد؛ چنان که حتی امروز و در عصر حاضر نیز بسیاری از فقها، مسلمانان را به وحدت و همدلی با یکدیگر فرا می خوانند و آنها را از تفرقه و اختلاف باهم که باعث سوء استفاده دشمنان می شود، بر حذر می دارند.

منبع: کتاب اندیشه سیاسی علامه کاشف الغطاء، صص 172-168

[1] محمد حسین آل کاشف الغطاء، آیین ما، ص ۴۱ - ۴۲

[2] کاشف الغطاء، منادی وحدت، گفت و گو با عبدالکریم بی آزار شیرازی، آوای بیداری، ص ۸۸

[3] همان

[4] محمد حسن رجیبی، علمای مجاهد، ص ۳۸۶

[5] کاشف الغطاء، منادی وحدت، گفت و گو با عبدالکریم بی آزار شیرازی، آوای بیداری، ص ۸۸

[6] محمد حسین آل کاشف الغطاء، آیین ما، ص ۴۲ - ۴۳

[7] همان، ص 43